



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دوره‌های آزاد مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

فلسفه منطق

دکتر امیرعلی موسویان

Amir.mousavian@torontomu.ca

پژوهشگر پسادکتری فلسفه و استاد مدعو دانشگاه تورنتو متروپلیتن کانادا

شنبه‌ها ساعت ۱۶ الی ۱۸

شروع دوره: ۱۲ مهرماه ۱۴۰۴

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

کواين کتاب کلاسیک خود، فلسفه منطق (Quine 1986)، ویرایش دوم، (۱)، را با نقل قول زیر آغاز می‌کند:

برعکس، توئیدلدی ادامه می‌دهد: "اگر چنین بود، ممکن بود باشد؛ و اگر چنین بود، می‌شد؛ اما چون نیست، نیست. این منطق است." - لوئیس کارول^۱

فلسفه منطق، به یک معنا، می‌پرسد "منطق چیست؟". کواين ادامه می‌دهد که "منطق" مطالعه سیستماتیک حقایق منطقی است (همان، ۱). فلسفه منطق معانی، پیامدها و محدودیت‌های احتمالی این توصیف را در میان موارد دیگر بررسی می‌کند. در اینجا فرمول دیگری آمده است. منطق‌های نمادین مدرن، زبان‌های نمادینی برای نمایش استدلال منطقی هستند. با این حال، نمادگرایی همیشه خالی از خطا نیست. به یاد بیاوریم که راسل گفت: "برخی از مفاهیمی که در فلسفه کاملاً اساسی تلقی شده‌اند، به نظر من، کاملاً از طریق اشتباهاتی در مورد نمادگرایی پدید آمده‌اند" (راسل، فلسفه اتمیسم منطقی در منطق و معرفت ۱۹۵۶، ۱۸۵-۱۸۶). فلسفه منطق، مطالعه فلسفی نمادگرایی منطقی، مفاهیم و سیستم‌ها است.

«فرگه (نوشته‌های پس از مرگ، ۱۹۷۰، ۱۲۶) نوشت که «کلمه "صادق" منطق را توصیف می‌کند» (هینتیکا و ساندو، منطق چیست؟ ۲۰۰۶، ۱۳). حقیقت (صدق، راستی) به حاملان حقیقت (صدق، راستی) نیاز دارد، یا حداقل این‌طور استدلال شده است. گزاره‌ها به عنوان حاملان

^۱ "Contrariwise," continued Tweedledee, "if it was so, it might be; and if it were so, it would be; but as it isn't, it ain't. That's logic." - Lewis Carroll

نهایی صدق توصیف می‌شوند. پس از یک مقدمه کوتاه، با «گزاره‌ها»، به ویژه با «اندیشه‌های» فرگه و نقد راسل، شروع خواهیم کرد و با بررسی برخی از نظریه‌های اخیر گزاره‌ها نتیجه‌گیری خواهیم کرد. سپس، به «صدق» خواهیم پرداخت. ما سه هفته را صرف دو سوال اصلی خواهیم کرد: «ماهیت صدق، اگر وجود داشته باشد، چیست؟» و «نظریه معنایی (سمانتیکی) صدق چیست؟» ما مفهوم واقع‌گرایانه از صدق را در مقابل مفهوم اثبات‌گرایانه/ضدواقع‌گرایانه از صدق و کار پیش‌گامانه تارسکی در مورد مفهوم معنایی صدق معرفی خواهیم کرد. (ما برخی از مهمترین دیدگاه‌ها در مورد هر دو سوال، مانند پراگماتیسم و نظریه کرییکی را نادیده می‌گیریم.) تأثیر مقاله تارسکی، هم در منطق و هم در فلسفه، را نمی‌توان بیش از حد ارزیابی کرد. ما این بخش را با بررسی یک سوال گسترده مورد بحث در ادبیات موضوع به پایان خواهیم رساند: رابطه بین نظریه تارسکی و نظریه مطابقت چیست؟ سه هفته آینده به مطالعه مفاهیم منطقی، به‌ویژه ماهیت ثابت‌های منطقی، و دو مفهوم از «نتیجه منطقی» اختصاص داده خواهد شد. سپس، به «شرطی‌ها» خواهیم پرداخت: «معنای» «اگر» چیست؟ دو نوع شرطی را می‌توان از هم متمایز کرد: اخباری و خلاف واقع. دو مثال زیر را در نظر بگیرید: «اگر اسوالد کندی را نکشت، شخص دیگری این کار را کرد» (اخباری) و «اگر اسوالد کندی را نکشته بود، شخص دیگری این کار را می‌کرد» (خلاف واقع). احکام و اظهارات (Assertions) و شرایط صدق شرطی‌های اخباری و همچنین نظریه‌های استالینیکر و لویس در مورد خلاف واقع‌ها مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. بقیه دوره در مورد تسویر و موجهات خواهد بود. ابتدا، بحث مهم تاریخی و فلسفی در مورد دو تفسیر از سورها را بررسی خواهیم کرد: عینی در مقابل جانشینی. سپس انتقادات کوانین از منطق وجهی و پاسخ روث بارکان به آنها را «بازخوانی» خواهیم کرد. اثر کلاسیک کرییکی (۱۹۶۳) پایه جدیدی برای منطق وجهی مسور (QML) بنا می‌کند. یک روش جایگزین برای فرمال‌سازی استدلال وجهی با سورها در «نظریه همتای» لویس معرفی شده است. آلن هیزن (۱۹۷۹) بهترین مدخل است برای مشکلاتی که ممکن است افزودن یک «عملگر واقعیت» به زبان نظریه همتا ایجاد کند. با توجه به صحت و اعتبار منطق موجهات مسور، می‌توان پرسید «QML «صادق» چیست؟» نیتن سمن، از یک سو، «استدلال می‌کند» که «سیستم S5 منطق موجهات گزاره‌ای (مرتب اول) که به طور مرسوم پذیرفته شده است، و حتی سیستم ضعیف‌تر S4، الگوی نامعتبری از استدلال موجهاتی را در بر می‌گیرد» (سالمون ۲۰۰۵/۱۹۸۹). از سوی دیگر، برنارد لینسکی و ادوارد زالتا از S5 به عنوان یک سیستم صوری که از نظر متافیزیکی کافی و خنثی است «تا درجه‌ای بزرگتر از آنچه قبلاً تصور می‌شد» دفاع می‌کنند (لینسکی و زالتا ۱۹۹۴، ۴۵۱). این بحث، پرسش از نسبت میان منطق و جهان را مطرح می‌کند. ما با برخی استدلال‌ها در تأیید و رد «حقایق منطقی امکانی» نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

اهداف دوره:

این دوره سه هدف اصلی دارد. اول، هدف آن توسعه دانش شرکت‌کنندگان در مورد مبانی فلسفی منطق مدرن، از جمله منطق گزاره‌ای، مرتبه اول و موجهات است. دوم، هدف آن ارائه ابزارهای لازم برای خواندن، تفسیر و بازسازی متون کلاسیک مدرن، به‌ویژه در فلسفه منطق است و به طور کلی در فلسفه تحلیلی. تأکید بر درک مطالب و استدلال‌های مرتبط است، نه حفظ کردن آنها.

References:

- Almog, Joseph et al. (1989). *Themes from Kaplan*. New York: Oxford University Press.
 Barcan Marcus, Ruth (1995). *Modalities: Philosophical Essays*. New York, NY: Oxford University Press.
 Beaney, Michael. (1997). *The Frege Reader*. Malden, MA: Blackwell.
 Davidson, Mathew. (2007). *On Sense and Direct Reference*. New York, NY: McGraw-Hill.
 Hanks, Allen. (2009). "Recent Work on Propositions", *Philosophy Compass* 4/3: 469-486.

- Hazen, Allen. (1979). "Counterpart-Theoretic Semantics for Modal Logic," *The Journal of Philosophy* 76/6, 319-338.
- Hughes, R. I. G. (1993). *A Philosophical Companion to First-Order Logic*. Cambridge, MA: Hackett Publishing Company.
- Jackson, Frank. (1979). "On Assertion and Indicative Conditionals," *The Philosophical Review* 88/4, 565-589.
- Jacquette, Dale. (2002). *Philosophy of Logic: An anthology*. Malden, MA: Blackwell.
- Kripke, Saul. (1963). "Semantical considerations on modal logic," *Acta Philosophical Fennica* 16, 83-94.
- Lewis, David. (1968). "Counterpart Theory and Quantified Modal Logic", *The Journal of Philosophy* 65/5, 113-126.
- Lewis, David. (1979). "Counterfactual Dependence and Time's Arrow", *Noûs* 13/4, 455-476.
- Linsky, Bernard and Edward N. Zalta. (1994). "In Defense of the Simplest Quantified Modal Logic," *Philosophical Perspectives* 8 (Logic and Language), 431-458.
- Lynch, Michael P. (2001). *The Nature of Truth*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Quine, W. V. O. (1963). *The Ways of Paradox and Other Essays*. New York, NY: Random House.
- Quine, W. V. O. (1961). *From a Logical Point of View*. New York, NY: Harper Torchbooks.
- Ravenscroft, Jan. (2009). *Minds, Ethics, and Conditionals: Themes from the Philosophy of Frank Jackson*. New York, NY: Oxford University Press.
- Salmon, Nathan. (2005). *Metaphysics, Mathematics, and Meaning*. Oxford University Press.
- Stalnaker, Robert C. (1968). "A Theory of Conditionals" in Robert Stalnaker (2019).
- Stalnaker, Robert C. (2003). *Ways a World Might Be: Metaphysical and Anti-Metaphysical Essays*. Oxford: Oxford University Press.
- Stalnaker, Robert C. (2019). *Knowledge and Conditionals: Essays on the Structure of Inquiry*. Oxford: Oxford University Press.
- Tarski, Alfred (& John Corcoran ed.). (1968). "What are logical notions?" *History and Philosophy of Logic* 7;2, 143-154.
- Van Inwagen, Peter. (1981). "Why I don't understand substitutional quantification?" *Philosophical Studies* 39, 281-285.
- Zalta, Edward N. (1988). "Logical and Analytical Truths that are not Necessary," *The Journal of Philosophy* 85/2, 57-74.

ارادت و احترام
امیرعلی موسویان